

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیأت تحریر «آذرخش»

۲۲ جولای ۲۰۱۰

توطئه تجزیه افغانستان را به انگیزه اتحاد ملت مبدل نمائیم

در این اواخر هر روزی که می گذرد پرده از اهداف واقعی و کتمان شده نیروهای استعماری اشغالگر به فرماندهی امپریالیزم امریکا در افغانستان برمی دارد. توجیهاات عوامفریبانه «تعقیب و مجازات بن لادن»، «مبارزه با تروریسم»، «استقرار دموکراسی»، «بازسازی افغانستان» و... دیگر در نزد خود اشغالگران هم اعتبار کذایی خود را به کلی باخته است. آنها در اثر تشدید مقاومت مخالفان و تلفات روز افزون قوای شان در افغانستان، همراه با فشار اذهان عامه کشورهای شان در رابطه با آن تلفات، ناچار لب به اعتراف کشوده مرام های اقتصادی و برنامه های غارت منابع طبیعی افغانستان را برملا ساختند. مگر ذهنیت فاشیست های اشغالگر طوری است که با وجود علایم آشکار شکست در سیاست های استعماری شان و افتضاح ناشی از آن، حاضر نیستند آن شکست را مسجل نمایند و باز هم در پی یافتن راه برآمد از مضیقه می باشند. ازینجاست که تجزیه افغانستان را به عنوان «راه حل» و راه رسیدن به اهداف خود زمزمه می کنند. مادر حالی که توطئه تجزیه قلمرو کشور آبائی خود را به شدت و با خشم خصم سوز محکوم می نمائیم، مقطع زمانی حاضر را برای به هم پیوستن ملیت های برادر برای دفاع از تمامیت ارضی کشور مشترک شان بیش از هر زمان دیگر مساعد و مناسب تشخیص می نمائیم.

آنچه را قوای فاشیستی اشغالگر - بایشتیبانی مسکوت دول همسایه افغانستان و بعضی کشورهای دیگر مداخله گر - می خواهند با پارچه نمودن قلمرو افغانستان به شمال و جنوب (عمدتاً تاجک نشین و پشتون نشین) به منصفه اجراء گذارند، گذشته از آنکه فقط روی تضمین منافع استعماری خودشان استوار است، اهداف ضمنی دیگری را هم احتواء می نماید.

● آنگاهی که خیمه شب بازی «دموکراسی» و «اعمار جامعه مدنی» به دلیل بی ریشه بودن، ضدملی بودن و کذایی بودن آن به مضحکه آشکار مبدل گردید؛ و از جانب دیگر، گند فساد اداری در همه ارکان اداره مستعمراتی تا آن حدی بالا گرفت که دیگر معجزه هیچ «عطر» استعماری قادر به «خوشبو نمودن» آن نشد، بایست چاره دیگری می جستند تا مردم در چنان مشکلات و دشواری های تازه ای غرق شوند که علاوه به اندیشه امرار معیشت و مجادله سخت و طاقت فرسا برای تضمین یک زندگی بخور و نمیر برای خود و خانواده های خود، با مشکل رفت و آمد به آنسوی مرز در عین مملکت آبائی خود دچار شده، برای رفتن از شمال به طرف جنوب آن و یا به عکس، محتاج

دریافت سند سفر و ویزه عبور و غیره تعقیدات شوند و از این ناحیه هم مورد ظلم ، اهانت ، فشارروانی و استثمار و رشوه دهی قرارگیرند. بدینصورت سیاستی را که اشغالگران فاشیست در رابطه با طرح تجزیه افغانستان می خواهند پیاده نمایند ، عین سیاستی است که صهیونیست های دولت نام نهاد اسرائیل بر فلسطینی ها از سالها به اینسو تعمیل می نمایند.

● در گذشته ، تقسیم جهان به دو قطب «بلوک شرق» و «جهان غرب» موجب می شد که سوسیال امپریالیزم روس و امپریالیزم غرب به سردمداری امریکا ، در رقابت های امپریالیستی (ولی در ظاهر گویا تضاد اندیولوژیک) ، با گروگان گرفتن خلق ها ، کشورشان را در کشمکش های خود به شمال و جنوب ویا شرق و غرب تقسیم نموده و با سرازیر نمودن سیل اسلحه به جناح طرفدار خود ، برنامه های تسلیحاتی و کشتار ، و در عین حال استثمار خلق ها را در جهان به پیش برند. چند نمونه آنرا در کوریا ، المان و ویتنام شاهد بوده ایم.

امروز که آن «تضاد اندیولوژیک» - حتی در ظاهر فریبنده آن هم - دیگر وجود ندارد و خراستعمار در افغانستان هر روز بیشتر در گل فرو می رود ، راه اندازی تبلیغات در جهت پارچه نمودن قلمرو کشور ، شاید به ضرورت حیاتی برای قوت های فاشیستی اشغالگر مبدل شده باشد ؛ که فقط واکنش قهارانه ، مصمم ، همه جانبه و مسؤولانه آحاد ملت به عنوان مشیت واحد و کوبنده بردهان اشغالگران و ایادی زیون بومی شان می تواند از آن جلو گیرد.

● تجزیه و تقسیم مرادف با انحلال و تفرقه است. زمانیکه اتباع یک کشور از یک ملت به دو یا چند ملت تقسیم شوند و «رسماً» مرز و دیواری آنها را از هم جدا سازد ، امکان راه اندازی توطئه و به هم اندازی و قتل و غارت بیش از پیش برای قدرت های استعماری مداخله گرو دست نشانندگان شان میسر شده و با تحریک یک بخشی از ملت واحد قبلی علیه بخش دیگر ، می توانند به راحتی از موقف تجاوزگر ، مداخله گر ، استعمارگر ، غارتگر ، استثمارگر ، شکنجه گر و قاتل به موقف بادآورده «حکم» ، «خیرخواه» ، «مدبر» ، «مرجع عدالت و دادخواهی» و در نهایت ، «مرجع تصمیم گیری و تعیین سرنوشت» بخرند.

● نباید فراموش نمود که همه اهداف برنامه های اشغالگر در افغانستان بر ملا نشده است. آنچه عیان گشته است ، به مقایسه آنچه در عقب پرده جریان دارد ، ممکن خیلی اندک باشد. و از آنجمله است کشتن تخم دین مسیح در افغانستان. گرچه از دید معاصر ، اعتقاد مذهبی یک مسأله فردی و خصوصی است و قوانین مدنی هم به تغییر دین افراد اعتراضی ندارند ولی انگاهی که کشاندن مردم به دین دیگری جزء برنامه استعماری ، جزء اهداف تجاوزی و امیال فاشیستی شده و جهت در بند کشیدن ملتی طرحریزی شود ، دیگر سفسطه های روشنفکر مآبانه و استدلال «آزاداندیشانه» و امثال این کرشمه های ناجور برای ممرز جلوه کردن ، نمی تواند چیزی به جز خدمت برای اهداف پخش و ترویج فرهنگ استیلاگر و استعمار باشد. کشورهای استعمارگر غربی از دهه ها به اینطرف مصروف تبلیغ مخفیانه - و بعضاً علنی - عیسویت در افغانستان بوده اند. مثال بارز آن شفاخانه چشم در دارالامان به نام مؤسسه «نور» بود که اکثریت مطلق داکتران و نرس های آنرا مذهب یون ممالک مختلف غربی و به خصوص انگلستان و امریکا تشکیل می داد. آنها علاوه بر حضور در کابل ، در مناطق دوردست افغانستان ، با سوء استفاده از فقر مادی مردم ، به محسور ساختن آنها از طریق «کمک های بشری» می پرداختند. البته مسلماً این یگانه منبع تبلیغ عیسویت در افغانستان نبوده است.

حال اگر در اثر غفلت عناصر ملی و روشنفکران مبارز و یاباز هم در اثر خیانت و ظن فروشان در اداره مستعمراتی کابل و جواسیس وابسته به آن ، و یاهم هردو ، قلمرو کشور محبوب ما تجزیه شود - گه هرگز چنین مباد! - احتمال زیاد وجود دارد که غربی ها تخم خبیث ترویج عیسویت را در ساحه زیر فرمان خود بذرنموده و تدریجاً از آن به عنوان «مرکز خودی» در برابر اتباع قلمروهای تجزیه شده و متخاصم کارگیرند. در آن صورت غربی ها به سان هالندی های بنیانگذار نظام *آپارتاید* در افریقای جنوبی ، خود را «از پدیدر» باشندگان سرزمین افغانستان وانمود کرده و با برافراشتن علم اعتراض علیه «تبعیض دینی» ، برای دسیسه استعماری خود پایه حقوقی هم فراهم خواهند نمود. ولی در هر حال آنها قادرند با تقویت یک اقلیت عیسوی مذهب در افغانستان ، ملت مارا باز هم درگیر جنگ های خونین و خانمانسوز سازند.

هموطنان عزیز!

به خاطر داشته باشید که هر قدر هم تبلیغات اشغالگران و مزدوران داخلی آنها با استفاده از پیشرفته ترین وسایل ارتباط جمعی ، اهداف ادعائی صلح و کمک های بشری آنها را واقعی و صادقانه جلوه دهند ، آنها به هیچوجه برای نجات و سعادت افغان ها به افغانستان نیامده اند بلکه نیروهای استعماری اند که با تکیه بر نوکران داخلی خود - کرزی و شرکاء - در چوکات اداره مستعمراتی کابل و شبکه های جاسوسی متعدد ، فقط برای پیشبرد اهداف سوق الجیشی ، مستعمره ساختن دایمی کشور ما ، تاراج منابع زیرزمینی سرزمین ما و قتل و غارت هموطنان مابه افغانستان لشکرکشی نموده اند. نباید بیشتر از این سکوت کرد. سکوت در برابر توطئه تجزیه قلمرو افغانستان، در نهایت به همدستی با خائنان و ظن فروشان خواهد انجامید. بیانید تا با فهم مسأله و درک وخامت اوضاع ، از به میراث گذاشتن لکه ننگ تاریخی به نسل های آینده کشور دلیرانه و سرفرازانه جلوگیری نماییم! بپاخیزیم و با راه اندازی اعتراضات خیابانی و تنویر اذهان در جوامع غربی ، دین ملی و وجدانی خود را در برابر وطن آبائی خود و مردم دربند آن اداء نماییم.

بدین بوم و برزنده یک تن مباد

از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد

همه سربه سرتن به کشتن دهیم

هیأت تحریر «آذرخش»

۲۲ جولای ۲۰۱۰